



Review article

The Husband's Right to Obey and Enjoy His Wife in Jurisprudence, Its Role and Effect on the Couples' Mental Health

Maryam Meshkati^{1*}, Mahdi Sajedi², PhD

¹4th Level Graduate of Al-Noor Shiraz Seminary, Shiraz, Iran

²Assistant Professor, The Quran and Hadith University, Shiraz, Iran

Article Information

Article History:

Received: Jan. 26, 2024

Accepted: March 05, 2024

*Corresponding Author:

Maryam Meshkati,
4th Level Graduate of Al-Noor Shiraz
Seminary, Shiraz, Iran
Email: maryamm1358@yahoo.com

Abstract

One of the most important issues in the field of jurisprudence and family law, with a significant impact on the balance and mental health of family members, is the issue of couples' sexual rights. One of the most essential aspects of sexual rights is enjoyment and compliance, which are covered in jurisprudence and law. The fulfillment of this issue among couples could have a significant impact on their mental health and the stability of the family foundation. The present study was fundamentally investigated using a qualitative approach based on jurisprudential, legal, and psychological documents. Exercising the right to obey and enjoy has been stated in significant legal examples such as religious acts, non-religious activities due to the presence of the wife in the society, leaving the house, or leaving the country, etc., which are important in the context of the family. The findings of the research indicated that the application of each of the mentioned examples and titles in the formulation of a healthy marriage, as well as the application of balance and limitation of each of its elements, are the most important spiritual effects to play an effective role in mental health (such as: creating mental peace due to satisfaction of the couples, providing empathy, providing adaptations based on persuasion of the spiritual needs of couples, etc.). One of the most essential and influential issues in the couples' mental health is the spiritual satisfaction resulting from marriage, and the proper application of the rights of enjoyment, compliance, or conditions will have significant consequences.

Keywords: Jurisprudence, Pleasure, Spouses, Empathy, Mental Health, Personality

Please cite this article as:

Maryam Meshkati, Mahdi Sajedi. The Husband's Right to Obey and Enjoy His Wife in Jurisprudence, Its Role and Effect on the Couples' Mental Health. *Sadra Med. Sci. J.* 2024; 12(4): 636-649.



مقاله مروری

حق تمکین و استمتاع زوج بر زوجه در گزاره‌های فقهی و نقش و تأثیر آن در سلامت روان زوجین با تأکید بر گزاره‌های فقهی - حقوقی

مریم مشکواتی^{۱*}، مهدی ساجدی^۲

طلبه سطح ۴، حوزه علمیه جامعه النور، شیراز، ایران
استادیار، دانشگاه قرآن و حدیث، شیراز، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل در حیطه فقه و حقوق خانواده که تأثیرات زیادی در ایجاد تعادل و سلامت روحی افراد خانواده دارد، بحث حقوق جنسی زوجین است. از مهم‌ترین مصادیق حق جنسی، استمتاع و تمکین است که در فقه و حقوق به آن پرداخته شده و برآورده شدن آن در سلامت روان زوجین و استحکام بنیان خانواده تأثیر بسزایی دارد؛ لذا این مطالعه به نقش و تأثیر حق تمکین و استمتاع زوج بر زوجه بر اساس گزاره‌های فقهی در سلامت روان زوجین پرداخته است. پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و بر پایه اسناد و مدارک فقهی، حقوقی و روان‌شناختی به بررسی بنیادین موضوع پژوهش پرداخته است، ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از شیوه فیش‌برداری است. حق تمکین و استمتاع در مصادیق قابل توجهی در حقوق، مانند اعمال عبادی، فعالیت‌های غیر عبادی مترتب بر حضور زوجه در جامعه، خروج از منزل، خروج از کشور و غیره بیان شده است و کارکردهایی در نهاد خانواده دارد. یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که اعمال هر یک از مصادیق و عناوین مذکور در قالب‌بندی تزویج سالم و اعمال تعادل و تحدید هر یک از عناصر آن، مهم‌ترین آثار روحی در جهت ایفای نقش مؤثر در سلامت روان از قبیل ایجاد آرامش روانی ناشی از رضایتمندی، تأمین همدلی و سازگاری‌های مبتنی بر اقناع نیازهای روحی زوجین و غیره را ایجاد می‌نماید. از مسائل مهم و تأثیرگذار در بهداشت روانی زوجین، رضایت روحی حاصل از زناشویی است که اعمال صحیح حقوق استمتاع، تمکین یا مواجهه در آن تأثیرات بسزایی خواهد داشت.

کلمات کلیدی: فقه، لذت، همسر، همدلی، سلامت روان، شخصیت

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

نویسنده مسئول:

مریم مشکواتی

طلبه سطح ۴، حوزه علمیه جامعه النور، شیراز، ایران
پست الکترونیکی: maryamm1358@yahoo.com

لطفاً این مقاله را به این صورت استناد کنید:

مشکواتی م، ساجدی م. حق تمکین و استمتاع زوج بر زوجه در گزاره‌های فقهی و نقش و تأثیر آن در سلامت روان زوجین با تأکید بر گزاره‌های فقهی - حقوقی. مجله علوم پزشکی صدرا. دوره ۱۲، شماره ۴، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۶۳۶-۶۴۹.

که در آیه ۲۱ سوره روم^۲ آمده است، زمینه برآورده شدن بسیاری از نیازهای روانی دیگر است. دوست داشته شدن و مورد تمجید قرار گرفتن، عزت نفس زوجین را افزایش می‌دهد و همین رابطه دوستانه به شادی و رضایت آنان می‌انجامد. تأثیر ازدواج بر شادی در فرهنگ‌های مختلف مشاهده و اثبات شده است. (۶) همدردی و درک، توجه و تعهد به یکدیگر زمینه‌ای بسیار مؤثر در ازدواج و روابط خانوادگی فراهم می‌کند، به طوری که مرگ یکی از همسران یا گسست خانوادگی یا ضربه به رابطه زوجین، تنش به دنبال دارد. (۷) از این رو، ضروری است در خصوص محدوده استمتاع و تمکین از نقطه نظرات فقها، علم روانشناسی را نیز مد نظر قرار داد. در خصوص مصادیق و محدوده تمکین خاص و عام (آیا همیشه زوجه جهت انجام فعالیت‌ها و امور خود نیاز به اذن زوج دارد یا خیر؟) اختلاف نظر وجود دارد. این مسئله که زوجه در قبال وظایفی که بر عهده دارد، چگونه باید رفتار کند، مثلاً آیا اذن شوهر و احراز رضایت وی به طور مطلق و در تمامی فعالیت‌های نیازمند استیذان، نظیر افعال عبادی مانند روزه مستحبی یا غیر عبادی، مانند سفر یا خروج از منزل توسط زوجه بر او لازم است یا تنها در صورتی که فعالیت‌های او با حق استمتاع زوج در تنافی باشد، استیذان از زوج لزوم می‌یابد و اذن زوج در مسئله موضوعیت ندارد؟ آیا حضور یا غیبت شوهر یا مسافرت یا مریضی او در نیازمندی زوجه به اذن، نقش دارد یا در تمامی این حالت‌ها حکم لزوم اذن شوهر یکسان است و می‌بایست تبیین شود؟ تأثیرگذاری و نقش مؤلفه‌هایی مانند زمان، مکان، حضور و غیبت زوج و اراده او در جعل حق استمتاع برای زوج به این معنا که آیا زوج در هر زمان و مکان مستحق استمتاع از زوجه است، خواه امکان استیغای این حق برای زوج فراهم باشد یا خیر (به تعبیر فقها استغراق جمیع اوقات) یا اراده فعلی او متعلق این حق است، یعنی هر زمان اراده استمتاع از زوجه کرد و امکان فعلیت و اثربخشی به اراده‌اش نیز میسر بود، بر زوجه تمکین لازم است؟

بررسی پیشینه بحث مذکور در منطوق کلمات فقها حاکی از اختلاف آن‌ها در تصور حق استمتاع برای زوج در تمام فروض مذکور است. به عنوان نمونه شیخ طوسی در کتاب مبسوط بیان می‌کند: «مرد در صورت خواستن می‌تواند همسرش را از بیرون رفتن از خانه منع کند، زیرا استمتاع از زوجه در طول شبانه‌روز حق مرد است؛ بنابراین می‌تواند مانع شرکت همسرش در تشییع جنازه پدر یا مادر یا فرزندش شود، زیرا اطاعت از زوج واجب

در جهان حاضر بیش از ۹۵ درصد مردم ازدواج می‌کنند. (۱) همین امر نشان می‌دهد که انسان‌ها نگاه مثبتی به ازدواج دارند. در جوامع غربی، زندگی مشترک بدون ازدواج در حال افزایش است (۲)، باین‌وجود هنوز درصد بالایی از انسان‌ها دست کم یک‌بار در زندگی ازدواج می‌کنند و بخش اعظمی از زندگی دوران بزرگسالی خویش را در تأهل می‌گذرانند (۳). ازدواج بهترین بستر ارضای نیازهای جنسی است. طی قرن‌ها، تلقی ادیان الهی و بسیاری از فرهنگ‌های جهان از رابطه جنسی با جنس مخالف از طریق ازدواج، مناسب‌ترین الگوی رفتار جنسی محسوب می‌شده است. به عنوان مثال متن قرآن بارها به این باور صحه گذاشته است: «و کسانی که پاکدامن‌اند * مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.»^۱ (مؤمنون: ۵-۶)

یکی از مسائل مهم در عرصه فقه و حقوق خانواده به عنوان یک واحد قابل توجه در گستره اجتماع کنونی، مبحث حقوق خانواده و مصادیق پر اهمیت آن است. مهم‌ترین مصادیق حقوق در حیطه زناشویی، حق استمتاع است و این مسئله مورد وفاق فقها است، بی‌توجهی به نیاز جنسی با برداشت منفی و ضد اخلاقی از این رفتار، موجب ناکامی یا احساس گناه می‌شود که مختل‌کننده سلامت روانی است. افرادی که نیاز جنسی داشته باشند یا پیوسته و مکرر در معرض تحریکات جنسی باشند، در اثر عدم اقناع از روابط جنسی به احساس ناراحتی و تنش دچار می‌شوند. (۴)

علاوه بر اهمیت ارضای نیاز جنسی، بهنجاری و اخلاقی بودن شیوه ارضای آن نیز در سلامت روان تأثیر دارد. از آنجاکه در بیشتر جوامع، روابط جنسی بهنجار در محدوده ازدواج تعریف شده است، ازدواج نکردن، فرد را دچار کاهش علاقه و عاطفه می‌کند و به هیچ‌وجه برای زندگی آینده زناشویی مفید نخواهد بود؛ زیرا بر خلاف تصور ابتدایی و ظاهری، روابط نامشروع، راهنما و کمکی مناسبی برای اجرای وظایف زناشویی فراهم نخواهد کرد. (۵) ازدواج علاوه بر ارضای نیازهای زیستی، در ابعاد روان‌شناختی زن و شوهر نیز تأثیر بسیار دارد. (۳) انس و پیوند بین زن و شوهر و دل‌بستگی بین آن‌ها

۱. وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ

۲. وَ جَعَلَ بَیْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

از فقه امامیه است و تأثیر آن بر سلامت روان زوجین پرداخته می‌شود.

مفهوم شناسی حق تمکین، استمتاع و سلامت روان

مهم‌ترین مفاهیم محوری و مرتبط پژوهش در این حیطه عبارت‌اند از:

تمکین

تمکین در گستره لغت به معنای «تشبیت نمودن و مستقر ساختن» است. (۱۰) همچنین به معنای «تسلیم، اطاعت کردن، فرمان‌برداری کردن، متابعت نمودن، بزرگداشت، پیروی کردن و سازگاری کردن» نیز آمده است. (۱۱) در این عرصه هرگونه سرپیچی یا تمرد و عصیان یا نافرمانی، ضد معنای تمکین است. معنای دیگر آن نیز «دست پیدا کردن به چیزی و اعطای قدرت به فردی جهت دست یافتن به امر یا چیز خاصی» تعریف شده است. (۱۲)

قدر متیقن معنای لغوی این واژه اعطای سلطه و اختیار به فردی دیگر است که در گستره فقه و حقوق از این معنا نشأت گرفته و در عرصه‌های مختلف کاربرد دارد.

در گستره قرآن، مفهوم تمکین زن نسبت به مضاجعت شوهر نیز قابل استخراج است. افزون بر این در رابطه با استمتاع و رابطه جنسی آیات قابل توجهی وجود دارد. به‌عنوان مثال، آیاتی که محدوده زمانی استمتاع و رابطه جنسی مترتب بر آن را معین می‌سازد و بیان می‌نماید: «آمیزش جنسی در شب روزه‌داری بر شما حلال شده است. زنان لباس شما و شما لباس آنها بپوشید. خداوند می‌داندست که شما به خود خیانت می‌کردید، پس بازگشت بر شما و شما را بخشید. اکنون با آنان آمیزش کنید و آنچه را خدا بر شما مقرر داشته است، طلب نمایید. بخورید و بیاشامید تا رشته سپیده صبح از رشته سیاه برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید و درحالی که در مساجد مشغول اعتکاف هستید، با زنان آمیزش نکنید. این‌ها مرزهای الهی است به آنان نزدیک نشوید خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند» (بقره/۱۸۷)^۳

است، در صورتی که انجام امور یادشده مباح یا مستحب است، از این رو باید واجب بر مستحب مقدم گردد. (۸) صاحب جواهر در ارتباط با حکم سفر زوجه بدون اذن شوهر ضمن اشاره به این موضوع فرموده است: «اگر زوجه بدون اذن زوج مسافرت مستحب یا مباح رود، بلا خلاف و بدون هیچ اشکالی نفقه او ساقط می‌گردد، زیرا از حقوق مرد بر زن این است که بدون اذن زوج مسافرت نرود، هرچند منافات با حق استمتاع نداشته باشد.» (۹)

لزوم استیذان از زوج و امکان منع زوج از برخی فعالیت‌های زوجه، در تمامی موارد یا اکثر آن‌ها به ملاک مراعات حق استمتاع زوج است و تعبد خاصی در این مورد وجود ندارد. صاحب جواهر در بحث لزوم اذن زوج در روزه مستحبی می‌فرماید: «اطاعت از شوهر در این امور که منافی استمتاع نیست، وجوبی ندارد؛ بنابراین روزه زن صحیح است ولو شوهر او را نهی کند، مگر اینکه خلاف اجماع باشد.» و در ادامه مطلب می‌فرماید: «تنها چیزی که ممکن است به این حکم اشکال وارد سازد ظن به وجوب اجماع بر خلاف است و الا در صورت نبودن اجماع در مسئله، حکم به صحت روزه مخصوصاً در صورت غیبت زوج یا امتناع زوج از استمتاع یا مریضی او و مانند آن که تعارضی با حق زوج ندارد، خالی از قوت نیست.» (۹)

از کلمات فقها این مطلب به ذهن خطور می‌کند که تفاوت برداشت از ادله در این زمینه سبب بروز اختلاف نظر در میان فقیهان است. به همین جهت در کلام آن‌ها دیده می‌شود که فقیهی در لزوم اذن زوج، فرقی بین حضور و غیبت او قائل نیست یا در تمام شبانه‌روز، شوهر را مستحق استمتاع از همسر برمی‌شمرد یا حتی او را مستحق نهی از خروج همسر از منزل می‌داند، هر چند با این نهی، استمتاع از زوجه را قصد نکرده باشد و فقیه دیگری در برخی موارد، تمام ملاک را تنافی با حق شوهر می‌داند.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از کتب و اسناد فقهی، حقوقی و روانشناسی در صدد پاسخگویی به این سؤال محوری و اساسی است: «مؤلفه‌های مؤثر بر حق زوج در استمتاع و تمکین، در گستره فقه امامیه و حقوق موضوعه و تأثیرگذاری آن بر سلامت روان زوجین شامل چه مواردی می‌شود؟»

با توجه به اینکه اتخاذ هر یک از این دیدگاه‌ها بر محدوده حق تمکین و اذن خروج مؤثر است، در این پژوهش به بیان محدوده سلطنت زوج بر زوجه، حق استمتاع و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن در فقه امامیه و حقوق موضوعه که به لحاظ ماهوی، معظم آن برگرفته

۳. «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ، الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ، عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ، تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.»

زن به درخواست‌های مشروع جنسی شوهر خویش است. (۸) بنابراین، زن عملاً وظیفه دارد که برای استمتاع، خود را در اختیار همسر خویش قرار دهد و مانع استمتاع همسر از خود نشود به جز در مواردی که مانع عقلی یا شرعی وجود دارد، و در این حکم تفاوتی در حیطة زمانی یا مکانی خاصی وجود ندارد؛ در صورتی که تمکین انجام نشود، عملاً، زن، ناشزه محسوب می‌گردد (۹).

احکام فقهی مترتب بر تمکین

به‌طور کلی به لحاظ فقهی، چندین حکم تکلیفی برای تمکین بیان شده است:

• وجوب

به لحاظ فقهی، حکم وجوب تمکین در وهله اول برای زوجه و به نفع زوج وجود دارد. به این معنا که در صورتی که تمکین از سوی زوجه ترک شود، برابر با ناشزه بودن او خواهد بود. البته این تمکین در حد متعارف و به معنای برآورده کردن خواسته‌های مشروع جنسی زوج است. (۱۴)

مستند وجود این حکم روایات صحیح فراوانی است که از طرق مختلف به دست آمده است. بر اساس منطوق این روایات، یکی از حقوق مسلم زوج تمکین زوجه و دریغ نداشتن این نوع تمکین است که از وظائف یا تکالیف زوجه محسوب می‌شود (۱۳).

• حرمت

تمکین به لحاظ تکلیفی حکمی حرام دارد و آن زمانی است که عملکرد مذکور در تزامم با ظروف زمانی و عملکردی خاص قرار گیرد، به این معنا که در هنگام انجام برخی اعمال مانند احرام، گرفتن روزه‌های واجب و موارد مرتبط با آن، همچنین مواجه شدن با ظروف زمانی خاصی که زن در حالات جسمی ویژه‌ای قرار گرفته مانند حالت‌های حائض و نفساء بودن و غیره موجب صدور حکم حرمت به لحاظ فقهی برای انجام رابطه جنسی حاصل از تمکین خواهد شد و لذا اگر زوجه به علت وجود معذورات مذکور از ارتباط جنسی مورد نظر امتناع ورزد و به اصطلاح تمکین ننماید، مخالف با حکم الهی عمل ننموده و نشوز انجام نشده است. در نتیجه او با وجود عدم تمکین، مستحق نفقه نیز خواهد بود (۱۵). در صورتی که شهوت بر زوج غلبه یابد و با زوجه حائض رابطه جنسی برقرار سازد، به لحاظ فقهی باید یک دینار کفاره دهد. (۱۶)

۵. «و قال أكثر فقهاء الإمامية: إذا غلبت الشهوة على الزوج، و قارب زوجته الحائض فله ان يكفر بدینار، إن فعل فی أول الحیض، و بنصفه فی وسطه، و بربعه فی آخره.»

با توجه به اینکه اولین مقصود از ازدواج، نزدیکی بین زن و مرد یا مباشرتی است که نتیجه آن منجر به تولید و تکثیر نسل می‌شود، عملکرد مذبور، وظیفه‌ای است که بر عهده هر یک از زوجین قرار داده شده و موظف هستند که با آداب مخصوص و رعایت آن، عمل زناشویی را طوری انجام بدهند که بین آن دو یا برای یکی از آن‌ها هیچ‌گونه استنکافی به وجود نیاید، در صورتی که یکی از آن دواز این مورد امتناع و استنکاف بورزد، در حقیقت، معنای حقیقی زناشویی نقض شده و منظور از آن را که به معنای تکثیر و تولید نسل است، زیر پا نهاده است. در صورتی که برای زوجین این نتیجه پدیدار نشود، تقصیر یا قصور گردن هیچ‌یک از زوجین نیست و عملاً گناهی مرتکب نشده‌اند چراکه مراد اصلی از ازدواج پدیدار شدن نتیجه حاصل و مطلوب امر است.

در منطوق روایات، ذیل ارتباط حقوق و تکالیف بین زوج و زوجه، تمکین به‌عنوان یکی از حقوق بارز زوج محسوب می‌شود به‌عنوان مثال پیامبر اکرم (ص) در رابطه با زنان برتر به لحاظ اخلاقی و عملکردی صراحتاً بیان می‌فرمایند: «بهترین زنان، از خصوصیات حجاب، مهربانی، پاکدامنی برخوردار هستند و در برابر همسر خود متواضع‌اند و باید برای شوهر، خودشان را بیاریند و از او حرف شنوی داشته باشند و در خلوت خواسته او را برآورده سازند.»^۴ (۱۳)

تدقیق در روایات مذکور حاکی از آن است که سیاق این دست از روایات در قالب اعمال ترغیب‌برانگیز استجابی و در حیطة مستحبات مؤکد بیان شده است. در کل عدم اهتمام به نیازهای زوج، مطرود شمرده شده است و در این حیطة جانب حکم واجب برای تمکین، به ذهن متبادر می‌شود.

تمکین در اصطلاح فقه برگرفته از معنای لغوی و در باب‌هایی مانند طهارت، عبادت و ازدواج به کار می‌رود. در بحث ازدواج تحت عنوان نکاح عملاً تمکین به معنای در اختیار قراردادن خود از سوی زن برای شوهر خویش است و در این عرصه می‌توان این عملکرد را از مصادیق حقوق مرد محسوب نمود. لذا در احکام فقهی، تمکین از حقوقی است که انجام آن برای زن واجب است و این حق به نفع مرد متصور می‌گردد. یکی از شروط وجوب نفقه بر مرد، تمکین است. لذا تعریف تمکین در حیطة فقه، پاسخگویی

۴. «قال رسول الله خير نساءكم الولود الودود العفيفة العزیزة فی اهلها، الذلیلة مع بعلها المتبرجة لزوجها الحصان علی غیره الی تسمع قوله و تطیع امره و اذا خلا بها بدلت له ما یرید منها...»

افزون بر این، در صورتی که زوجه بیماری یا وضعی داشته باشد که ارتباط جنسی موجب تشدید بیماری او شود یا مشتمل بر ایجاد مشقت و ضرر گردد و چنین ضرری عادتاً قابلیت تحمل نداشته باشد، می تواند از برقراری رابطه جنسی با همسر خویش، خودداری نماید. همچنین به تعبیر برخی فقها در صورتی که زوج به لحاظ جسمانی عظیم الجثه باشد و زوجه این توان را نداشته باشد که با او رابطه جنسی برقرار کند، می تواند از برقراری ارتباط جنسی با او خودداری ورزد و این خودداری و عدم تمکین، از بین برنده حق نفقه او نخواهد بود (۹).

مضافاً اینکه برخی دیگر از فقهای معاصر، با استمداد از قاعده انصاف بر این اعتقادند که در صورتی که زوجه به جهت جسمی ضعیف و نحیف باشد و زوج قوی هیكل، و در صورت نزدیکی، خطر ناقص شدن زوجه یا افضاء وجود داشته باشد، به لحاظ حکم فقهی، ارتباط جنسی زوج با زوجه، جایز نخواهد بود، چراکه در صورت وجود رابطه جنسی، احتمال ناقص شدن زوجه یا افضاء برای او وجود دارد و زوج اگر از این امر تخلف ورزد، ضامن خسارت های وارد شده خواهد بود، افزون بر این، زوجه نیز ملزم به تمکین او نخواهد بود. (۱۷)

همچنین در صورتی که زوج بیماری مقاربتی داشته باشد با عنایت به اینکه امکان منتقل شدن این نوع بیماری ها از طریق مقاربت به زوجه وجود دارد، این حق را دارد که از برقراری رابطه جنسی خودداری کند. (۱۸) در واقع، به لحاظ فقهی در صورت وجود بیماری زوج، انجام و اجرای تمکین در تقابل با ضرر حاصله به زوجه قرار می گیرد. بر اساس این قاعده که هرگونه ضرر دیدن و ضرر رساندن در منطوق دین اسلام، ممنوع شناخته شده (قاعده لا ضرر)، فرد حق ندارد به طرف مقابل خویش ضرر برساند. در صورت وجود چنین تقابلی، جنبه قاعده لاضرر نسبت به جنبه تمکین و قبول آن از سوی زوجه، ترجیح می یابد.

چنین ترجیحی در کتاب قواعد فقه محقق داماد بر اساس تخصیص قرار داده شده است. به این معنا که عمومیت و شمولیت وجوب اطاعت زوجه از زوج در قالب بندی قاعده لا ضرر، ترجیح می یابد، بی آنکه این عدم تمکین و عدم اطاعت، موجبات سلب وجود حق نفقه برای زوجه را فراهم آورد (۱۹)؛ یعنی اگر در صورت برقراری رابطه جنسی با زوجه و وجود تمکین، بیماری منتقل شود و احتمال ضرر به زوجه فراهم گردد، زوجه می تواند تا زمان بهبود نیافتن زوج از بیماری از تمکین و اطاعت خودداری نماید یا به صورت محدودی تمکین

را صورت دهد.

• احکام حقوقی مترتب بر تمکین

مقوله «تمکین» در اصطلاح حقوق به دو شکل عام و خاص ساختار می یابد. لذا زن باید در منزلی که همسرش انتخاب کرده و متناسب با شأن زوجه است، سکونت گزیند، در حقیقت، مرد باید به همسر خود دسترسی داشته باشد، مگر اینکه انتخاب محل سکونت با زوجه باشد به این معنا که در عقد ازدواج، شرط شده باشد که انتخاب مسکن با زوجه است، در این صورت هم زن باید بعد از انتخاب مسکن، نسبت به همسر خود تمکین عام داشته باشد تا از مصادیق زنان ناشزه شمرده نشود. لذا پذیرش ریاست مرد در گستره خانواده در منطوق ماده ۱۱۰۵ (۲۰) لزوم سکنا گزیدن در منزلی که زوج معین می سازد، در متن ماده ۱۱۱۴ (۲۰) قانون مدنی بیان شده است.

کتاب حقوق خانواده نوشته استاد امامی و صفائی، صراحتاً بیان نموده است که «از جمله آثار ریاست مرد بر خانواده، تکلیف تمکین برای زن است. تمکین به یک معنی خاص و یک معنی عام دارد. تمکین به معنی خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر به طور متعارف را بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند» (۲۱). تمکین به معنای عام، آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و تعارف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد، پس اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی از زن داشته باشد زن مکلف به اطاعت از او نیست. مثلاً اگر شوهر، زن را از ادای فرایض مذهبی باز دارد یا از زن بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد، زن می تواند از اطاعت شوهر سر باز زند.

در حقوق موضوعه در ماده ۱۱۲۷ (۲۰) قانون مدنی، خودداری زوجه از تمکین در صورت وجود بیماری مقاربتی زوج، مانع از اعطای حق نفقه به او نخواهد شد. در نتیجه می توان بر این نکته تأکید ورزید که در رابطه با اقسام تمکین، می توان به لحاظ حکمی و محدودیت و به دو شکل مختلف آن را تقسیم بندی کرد. به عنوان مثال به لحاظ حکمی که در فقه نیز به آن اشاره شده، تمکین واجب، تمکین حرام و تمکین مستحب و مکروه وجود دارد و به لحاظ محدودیت و عمومیت یا گستره داشتن، تمکین عام و خاص وجود دارد که در مباحث مربوط به تمکین و تبیین آن در گستره فقه امامیه و حقوق موضوعه مورد بحث قرار گرفت.

● استمتاع

استمتاع به عنوان یکی از مسئولیت‌های زوجه در تأمین نمودن نیاز جنسی زوج است و به عنوان یک حق و اغلب تحت عنوان «تمکین خاص» بیان شده است. این حق در غالب مواقع یعنی در مواردی که حق زوج مطرح است، بیان می‌گردد. عبارت‌هایی مانند حقوق جنسی، حق تمتع، حق تمکین، حق وطی و مواردی از این قبیل تحت عنوان حق استمتاع است.

● سلامت روان

سلامت روان همان سلامت فکر و قدرت سازگاری فرد با محیط و اطرافیان است. همچنان که از جسم خود مراقبت می‌کنیم باید روح خود را نیز مقاوم تر کنیم تا زندگی بهتری داشته باشیم. (۲۲) در بیان دیگر سلامت روان ظرفیت کامل زندگی کردن به شیوه‌ای است که سبب ادراک نوعی وحدت بین ما و دیگران می‌شود و ما را قادر می‌سازد که توانایی عشق ورزیدن و خلق کردن داشته باشیم (۲۳).

اعمال حق تمکین و استمتاع در فقه و حقوق

در حیطه استمتاع با توجه به معنای مذکور در اصطلاح فقهی و حقوقی، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در حیطه‌های عبادی، غیر عبادی و قالب‌بندی مصادیق ذیل بروز و نمود می‌یابد:

مصادیق اعمال حق استمتاع در فقه و حقوق

باید بر این نکته تأکید شود که اگرچه حق استمتاع محدوده گسترده‌ای دارد و مشتمل بر تمامی مصادیق از ارتباطات جنسی می‌گردد، ولی در غالب مواقع به حقوق زوج که بر عهده زوجه است، اشاره دارد. در این رابطه، حقی بدون قید و به شکل مطلق برای زوج در نظر گرفته شده و به عنوان یک تکلیف واجب بر عهده زوجه قرار داده شده است. منطوق قانون مدنی ایران نیز که به لحاظ ماهیتی، برگرفته از فقه امامیه است، این حق زوج را از وظائف بارز زنان دانسته است (ماده ۱۱۰۸ (۲۰) و ماده ۱۰۸۵ (۲۰) قانون مدنی ایران)، از این رو توجه به مؤلفه‌های این حق لازم است. به‌طور کلی مؤلفه‌های مؤثر بر حق زوج در استمتاع در گستره فقه امامیه در قالب‌بندی امور عبادی و امور غیر عبادی قرار می‌گیرد:

● اعمال عبادی

در این مؤلفه، استمتاع به لحاظ حکمی قابل انجام نخواهد بود. توضیح اینکه در امور واجب عبادی از قبیل روزه‌های واجب در ماه مبارک رمضان و همچنین در عمل

عبادی حج (۹) این حق به شکل سلبی است؛ با توجه به اینکه در قالب‌بندی مصادیق عبادات است، عملاً استمتاع زوج قابلیت انجام نخواهد داشت. همچنین زوجه نمی‌تواند شوهر را از آن بازدارد، مگر آنکه محذور شرعی از استمتاع، همچون ترک واجب یا ارتکاب حرام، یا محذور عقلی چون بیماری وجود داشته باشد.

در این قالب‌بندی، در صورتی که حق استمتاع با امور عبادی مستحبی مانند حج، نماز و روزه مستحبی در تراجم باشد، جانب حق استمتاع ترجیح داده می‌شود. (۹) در فقه تأکید شده است که در رابطه با اشتراط اذن برای انجام عباداتی مانند اعتکاف، منافاتی با حق استمتاع وجود نخواهد داشت. ^۶ (۱۳)

● فعالیت‌های غیر عبادی مترتب بر حضور زوجه در جامعه

فعالیت‌های زوجه محدود به فعالیت‌های عبادی نیست و می‌تواند در قالب امور اقتصادی، سیاسی، تحصیلی و فرهنگی قرار گیرد. به‌عنوان مثال، جایگاه آموزش و پرورش در گستره دین اسلام، اهمیت بسزایی دارد، طلب کردن دانش بر هر مسلمانی واجب است و جستجوی دانش از زمان کودکی تا زمان مرگ امتداد خواهد داشت (۲۴)، بنابراین، فعالیت از نوع تحصیل دانش و تدریس آن، از فعالیت‌هایی است که منع شرعی ندارد. در کلام برخی فقهاء معاصر بیان شده که: زن‌ها در جهان امروز باید همان‌طوری که مردها در مسائل وارد هستند، در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند. (۲۵)

همچنین توصیه‌های دینی مبتنی بر توجه مسلمانان به امور اجتماع و حوادث سیاسی، بیان‌کننده میزان اهمیت مشارکت مردم از جمله زنان در فعالیت‌های سیاسی و دخالت یافتن در سرنوشت کشور خود است. به‌رغم آنکه در فقه مبحث مستقلی در زمینه مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی مطرح نشده است، در تاریخ اسلام، بیعت زنان با پیامبر (ص) و شرکت آن‌ها در امور اجتماعی مهاجرت به مدینه و حبشه، شرکت آنان در جنگ‌های صدر اسلام و خدمات اجتماعی مانند مداوا کردن مجروحان جنگی همچنین ذکر مدیریت زنان در قالب آیات ۲۳-۲۴ سوره مبارکه نمل: ^۷ «من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود

۶ لا إشكال فی اشتراط الإذن فی... لمنافاة الاعتكاف للخدمة المستحقة على العبد و الاستمتاع المستحق على الزوجة

۷ «تبی و جدت امرأة تملكهم وأوتيت من كل شيء ولها عرش عظيم» (۲۳) «وَجَدْتُنَّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (۲۴) سوره نمل.

و تختی بزرگ داشت * او و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند.» حاکی از وجود این نوع فعالیت‌ها در زنان است، از این رو در نگاه فقهای معاصر، زنان باید در سرنوشت خود دخالت داشته باشند و دخالت در سرنوشت و مقدرات اساسی به‌عنوان یک تکلیف معرفی شده است. (۱۵)

تورق در اسناد تاریخی نشان می‌دهد که قبل از اسلام، زنان حق دخالت در مسائل اجتماعی را نداشتند و از حقوقی مانند حق اشتغال، وارث و ممتلک شدن نیز برخوردار نبودند، حتی بعد از فوت زوج، خود زوجه به یکی از فرزندان ذکور به ارث می‌رسید. (نساء/۲۲) پس از ظهور اسلام حقوق مذکور به رسمیت شناخته شد و فعالیت زنان در تجارت، قابله‌گری، خرازی، دباغی کردن، صنعتگری و موارد مرتبط با آن به رسمیت شناخته شد. در عرصه اقتصادی نیز فعالیت‌های زنان در گستره دین اسلام و فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته است. (۲۶) در منطوق آیاتی از قرآن کریم، برای زنان همچون مردان از آنچه به دست آورده‌اند، بهره و نصیب وجود دارد. همان‌طور که اگر مردها مالی کسب کنند مالک آن هستند، زنان نیز اگر مالی را کسب کنند مالک آن خواهند بود (نساء/۳۲)؛ لذا پذیرش حق مالکیت برای زنان، جایز بودن اشتغال زنان را به لحاظ فقهی اثبات می‌نماید. در آیه مبارکه مذکور نیز جایز بودن اکتساب (به دست آوردن یا تحصیل عایدی یا درآمد حاصل از فعالیت) مفروض دانسته شده است.

در نتیجه مهم‌ترین امور غیر عبادی از قبیل تحصیل، اشتغال، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و تبلیغات خارج از منزل انجام می‌شود که در عرصه فقهی مترتب بر اجازه شوهر است. به‌عنوان مثال، از نگاه مشهور فقهای امامیه، زن به‌طور مطلق و در هر ظروف و شرایطی لازم است که جهت خروج از منزل موافقت و اجازه شوهر خویش را دریافت نماید؛ بنابراین، زوج این حق را دارد که زوجه را از خروج از منزل منع نماید، اگرچه چنین عملی با حقوق زوج منافاتی نداشته باشد؛ لذا از دید این گروه از فقیهان، حق منع زوج برای خروج زوجه از منزل، به شکل مطلق وجود دارد و از ثمرات ریاست زوج است و اگر زوجه بدون اذن یا اجازه زوج از منزل خارج شود از مصادیق زنان ناشزه محسوب خواهد شد. (۲۴)

• خروج از منزل

برای خروج از منزل و لازم بودن موافقت زوج برای

خروج زوجه از منزل، حکم فقهی لزوم توقف مترتب است، با این اوصاف دو رویکرد در رابطه با این حکم و صدور این حکم وجود دارد. هر یک از این دو رویکرد قائل به لزوم موافقت زوج برای خروج زوجه از منزل هستند با این تفاوت که برخی دیدگاه‌ها به مطلق بودن حق زوج نسبت به خروج زوجه از منزل دلالت دارد و برخی دیدگاه‌های فقهی قائل به مقید یا مشروط بودن این حق است.

توضیح اینکه از نگاه مشهور فقهای امامیه، زن به‌طور مطلق و در هر ظروف و شرایطی لازم است که جهت خروج از منزل موافقت و اجازه شوهر خویش را دریافت نماید؛ بنابراین، زوج این حق را دارد که زوجه را از خروج منزل منع نماید. اگرچه چنین عملی با حقوق زوج منافاتی نداشته باشد. از سوی دیگر، برخی از فقهای شیعه قائل به تقیید حق منع خروج از منزل هستند، یعنی خارج نشدن از منزل بدون اذن زوج را به‌عنوان یک حق مستقل برای زوج محسوب نمی‌کنند بلکه صرفاً حق استمتاع جنسی را برای زوج به رسمیت می‌شناسند؛ بنابراین از دیدگاه این گروه از فقها خروج از منزل در صورتی نیاز به اذن زوج دارد و بدون اذن او از مصادیق نشوز به حساب می‌آید که با استیفای حق جنسی زوج در تعارض باشد. (۱۸) در نتیجه، اگر زوج در منزل حاضر باشد و نیاز به استمتاع از زوجه داشته باشد، موافقت او برای خروج از منزل شرطی لازم محسوب می‌شود. (۱۸)

با این اوصاف، برخی از مصادیق در فقه وجود دارند که از حق منع زوج چه به‌صورت مطلق و چه به‌صورت مشروط استثناء می‌شوند. لازم به ذکر است که حتی اگر در رابطه با حق منع خروج از منزل قائل به حکم لزوم موافقت به‌طور مطلق باشیم یا به‌طور مقید قائل به لزوم موافقت باشیم، این مصادیق استثنائی وجود خواهد داشت:

- اول- خروج زوجه از منزل با هدف اتیان واجبات عینی صورت گیرد و اتیان این نوع واجبات متوقف بر خروج او از منزل باشد؛ مانند سفر کردن برای انجام حج واجب، نجات دادن فرد، شرکت در انتخابات مؤثر بر نظام کشور.
- دوم- خروج زوجه از منزل برای یادگیری معارف اعتقادی و کلامی به صورتی که برای انجام وظائف و الزامات شرعی زوجه ضرورتی غیرقابل انکار باشد.
- سوم- خروج از منزل جهت درمان کردن یا معالجه بیماری.
- چهارم- خروج از منزل با هدف تأمین مخارج زندگی در زمانی که زوج قادر به تأمین نفقه زوجه نیست.

- پنجم- خروج از منزل برای تظلم، به طوری که ارائه تظلم او بدون خروج وی از منزل ممکن نیست.
- ششم- خروج از منزل جهت رها شدن از ضررهای جانی، مالی و شرافتی و ناموسی باشد.
- هفتم- خروج از منزل بر پایه عمل کردن به شرط ضمن عقد ازدواج برای انتخاب او برای مسکن، حق تحصیل اشتغال و موارد دیگر باشد.
- هشتم- خروج از منزل به علت سختی یا عسر و حرج ناشی از حضور او در منزل باشد. (۲۷)
- خروج از کشور: در سیستم حقوقی کشور ایران، برای خروج زوجه از کشور، موافقت زوج لازم است و این در بند سوم ماده هیجده قانون گذرنامه (مصوب ۱۳۵۱) بیان شده است. با این اوصاف، در شرایطی که اضطراری باشد، موافقت کتبی زوج منتفی می شود و اجازه فرد دادستان جایگزین آن می گردد. منظور از شرایط اضطراری، اعم از اضطرار شرعی، عقلی و عرفی است و شامل مصادیق اکراهی و اجباری نمی گردد؛ زیرا اگرچه در اکراه و اضطرار، فرد مضطر و مکره در جایگاه ناچار قرار می گیرد و هر دو از عناوین ثانویه محسوب می شوند، سبب تغییر حکم شرعی عمل ارتكابی می گردند و موجب فقدان رضای باطنی و قلبی اند، ولی موقعیت مضطر و مکره و منشأ خطری که هر دو را تهدید می کند، متفاوت است. افزون بر این، اضطرار موجب فساد اختیار و اراده مضطر نمی شود ولی اراده و اختیار مکره محدود است. آنچه موجب بروز حالت اکراه در مکره می شود با آنچه مورد بروز اضطرار در مضطر می شود، متفاوت است (۱۹). بنابراین، می توان گفت، مضطر خویشتن را در شرایط و موقعیتی می بیند که خروج از آن مستلزم ارتكاب عملکردی بر خلاف شرع، عقل یا عرف است، لذا مراد از موارد اضطراری، مصادیقی است که در آن به حکمی شرعی، عرفی یا عقلی اختلال وارد می شود، برای مثال از زمره مصادیق اضطراری در این بند از قانون، سفر به حج واجب است که در صورت احراز استطاعت زن و تعلق گرفتن وجوب حج به وی در شرایطی که با عدم موافقت با خروج از کشور توسط شوهر مواجه گردد، به حکم شرعی وجوب تمکین خاص اخلال وارد می شود. از این جهت می توان گفت که اضطرار شرعی تحقق یافته است (۲۸).

استثنائات قانونی مبتنی بر عدم اعمال حق استمتاع

و تمکین

مصادیقی در منطوق قوانین ایران وجود دارد که بر اساس آن توجیه به عدم لزوم استمتاع از آن برداشت می شود، برخی از این مصادیق عبارتند از:

- بیمار بودن زوج یا زوجه
بر اساس ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی ایران (۲۰)، هرگاه مردی پس از عقد به یکی از بیماری های مقاربتی مبتلا شود، همسرش این حق را خواهد داشت که از رابطه جنسی با او امتناع ورزد و این امتناع مانع از حق مطالبه نفقه نخواهد بود. همچنین برخی از بیماری ها در صورتی که بر زن عارض شود، مجوز قانونی و مشروع عدم تمکین خاص برای او وجود دارد. افزون بر این، در صورتی که عادت ماهیانه باشد، می تواند از انجام تمکین خودداری نماید.
- وجود حق حبس برای زوجه
بر اساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی (۲۰)، زن این اختیار را دارد که تا زمانی که مهریه به او تحویل داده نشده، از انجام وظائفی که در قبال شوهر دارد، امتناع ورزد، مشروط به اینکه مهریه حال باشد و این امتناع مُسقط حق نفقه نخواهد بود.
- قانون برای زوجه ای که باکره است حقی خاص در نظر گرفته که موسوم به حق حبس است، به این صورت که زوجه باکره در حیطه دفاع از دادخواست الزام به تمکین زوج، به دادگاه اعلام می نماید که طالب استفاده از حق حبس خویش است و تا زمانی که تمامی مقادیر مهریه به او پرداخت نشود، تمکین نخواهد کرد. در این صورت قاضی باید دادخواست زوج مبنی بر الزام به تمکین زوج را رد نماید.
- حق تعیین مسکن جداگانه زوجه
بر اساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی (۲۰) در صورتی که حق سکونت به زوجه داده شده باشد، زن می تواند از زندگی با همسر خود در منزلی که شوهر تعیین کرده، خودداری نماید.
- وجود ضرر بدنی، شرافتی و مالی
بر اساس منطوق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی (۲۰) در صورتی که حضور زن همراه با شوهر خود در یک سکونت گاه، مشتمل بر ترس اضرار جسمی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، او می تواند مسکنی مجزا اختیار نماید و در صورت ثبوت مظنه ضرر مورد نظر، دادگاه حکم بازگشت زن به منزل شوهر را نمی دهد، و تا زمانی که زن در بازگشت به منزل مورد نظر، معذور باشد، نفقه او بر عهده شوهر وی خواهد بود.
- حکم به الزام استمتاع، به مجرد وقوع عقد ازدواج برای طرفین ازدواج است. از این رو بر اساس منطوق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی (۲۰) ایران، صرف انعقاد عقد نکاح به شکل صحیح، حقوق و تکالیف زوجین از جمله حق استمتاع برای زوج بر عهده زوجه و حق مواقعه برای

که انسان به همسر، نیاز داشته باشد و تا این نیاز برآورده نشود، آرامش نیابد. زمانی می‌توان به آرامش رسید، به این جهت است که ازدواج مایه آرامش دانسته است: «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید.»^۹ (روم: ۲۱)

آسایش و راحتی زندگی، فقط به داشتن همسری زیبا و صاحب جاه و مال نیست. خوشبختی در زندگی، از آن همسرانی است که میان آنان «مودت» و «رحمت» وجود داشته باشد. از این‌رو، دین اسلام، توصیه کرده که همسر خود را به خاطر مال و جاه و جمال، انتخاب نکنید که اگر چنین شد، خداوند شما را به همان عوامل واگذار می‌کند، اما اگر به خاطر دین و ایمان با کسی ازدواج کردید، خداوند، این عوامل را نیز به شما می‌دهد. (۸) به همین دلیل ترک ازدواج، به خاطر ترس از مخارج زندگی، سوءظن به خداوند است. (۲۹)

نباید فراموش کنیم که روزی‌رسان خداوند است، امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر کسی به خاطر ترس از تأمین خانواده، ازدواج را ترک کند، به تحقیق نسبت به خداوند، گمان بد برده است.»^{۱۰} (۲۴) خداوند متعال به‌طور مشخص، به مسئله ازدواج پرداخته و تصریح کرده است که اگر همسران تازه ازدواج کرده، فقیر باشند از فضل خودم آنان را بی‌نیاز خواهیم کرد: «همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید اگر تنگدست هستند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر دانا است.»^{۱۱} (نور: ۳۲)

• کارکرد مؤثر جسمانی و روحی در فعالیت‌های روزمره زوجین

اعمال حقوق استمتاع و تمکین بر اساس آنچه مبنای عقلی، عرفی و اخلاقی و در پرتو ازدواج سالم دارد، افزون بر اقلان رضای نیازهای زیستی، در ابعاد روان‌شناختی زن و شوهر نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت. (۳) از آنجاکه انس و پیوند بین زن و شوهر و دلبستگی بین آن‌ها «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^{۱۲} «و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» (روم: ۲۱) که در قرآن تأکید شده، زمینه برآورده شدن بسیاری از نیازهای روانی دیگر است. دوست داشته شدن و تمجید شدن، عزت‌نفس هر یک از زن و شوهر را افزایش می‌دهد. همین رابطه دوستی به شادی و رضایت آنان می‌انجامد.

زوجه بر عهده زوج اثبات می‌شود، از این‌رو بر اساس منطوق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی (۲۰) در صورتی که زن بدون وجود مانع مشروع از انجام وظائف زوجیت خود امتناع ورزد، مستحق دریافت نفقه نخواهد بود.

آثار مترتب بر اعمال حق تمکین و استمتاع در سلامت روان زوجین

حق استمتاع در گستره حقوق تحت عنوان «تمکین خاص» شناخته می‌شود، و نسبت به زوج «حق تمکین» و نسبت به زوجه، «حق مواقعه» نام دارد. اعمال هر یک از عناوین مذکور در بستر ازدواج به سبک قانونی و تزویج سالم، در سلامت روان زوجین تأثیرگذار خواهد بود. مهم‌ترین آثار مترتب بر اعمال حقوق مذکور عبارت‌اند از:

• آرامش روحی و روانی ناشی از رضایتمندی زوجین

یکی از مهم‌ترین آثار مترتب بر اعمال حق تمکین و استمتاع و ایجاد تعادل در روابط زوجین آرامش روحی و روانی ناشی از رضایتمندی زناشویی است. منطوق آیات قرآن از ایجاد مودت و رحمت و رضایتمندی روحی زوجین در پرتو ازدواج و احکام مترتب بر آن و ایجاد تعادل در آن حکایت دارد.

از آنجاکه خداوند متعال، انسان را آفرید، تداوم نسل او را در خود او، و موجودیت انسان را در دو جنس زن و مرد قرار داد سپس فیزیک بدن هر یک را به‌گونه‌ای آفرید که با این هدف، سازگار باشد. غریزه جنسی سبب می‌شود که زن و مرد به سوی هم کششی داشته باشند تا نسل انسان، تداوم یابد والا چه بسا انسان‌ها به خاطر راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی، از تشکیل خانواده، خودداری می‌کردند. با این وجود در هر یک از دو جنس زن و مرد تفاوت‌های روان‌شناختی وجود دارد و ویژگی‌های روحی و عاطفی هر یک به‌گونه‌ای آفریده شده که با دیگری ارضاء می‌شود. امام رضا (علیه‌السلام) یکی از علت‌های تحریم هم‌جنس‌خواهی را تفاوت‌های روان‌شناختی جنس مرد و زن می‌داند که مکمل یکدیگرند و اگر دو نفر از یک جنس با هم ازدواج کنند یا رابطه داشته باشند، این نیازها برآورده نمی‌شود. (۲۹) «علت تحریم روی آوردن مردان به مردان و زنان به زنان، یکی ساختار وجودی زنان و سرشت وجودی مردان است [که هر یک برای جنس مخالف آفریده شده است]»^{۱۳} (۳۰) همه این مسائل تکوینی، موجب می‌شود

۸. عِلَّةُ تَحْرِيمِ الذَّكَرَانِ لِلذَّكَرَانِ وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ، لِمَا رُكِبَ فِي الْإِنَاثِ وَ مَا طَبِعَ عَلَيْهِ الذَّكَرَانُ

۹. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

۱۰. مَنْ تَرَكَ التَّرْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ

۱۱. وَ أَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

احساس شادی، رضایت، آرامش و امیدواری را در زندگی افزایش می‌دهد. (۳۰) این امر، آرامش فکری به ارمغان می‌آورد و افسردگی را کاهش می‌دهد. احترام نامشروط عنصر دیگری از رابطه کارآمد است که اولین بار توسط راجرز^{۱۳} شرح و بسط داده شد، وی توجه مثبت را شرط رشد و شکوفایی خویش می‌داند. (۳۲)

در این حالت، همه ابعاد وجودی یک فرد مورد احترام است و صرف رفتار نامناسب او باعث نمی‌شود که کل شخصیتش طرد گردد. ابراز ناراحتی به دیگری در صورتی که همراه با احترام باشد، شرایط مناسب برقراری و حفظ یک رابطه صمیمانه را مختل نخواهد کرد. (۳) ویژگی دیگر، تساوی در رابطه میان فردی است. طبیعی است که هیچ‌گاه دو نفر از همه جهات مساوی نیستند، اما یک رابطه، زمانی مؤثر است که فضای حاکم مبتنی بر تساوی باشد و هر دو متوجه ارزش شخصیت طرف مقابل باشند. در تعامل دو فرد لازم است، میان احساس و فکر درونی با رفتار آشکار و ظاهری تناسب برقرار باشد. اصالت و هماهنگی به معنای اجتناب از وسوسه پنهان شدن زیر برجستگی است که فرد در رابطه دارد، همچنین اصالت به معنای انکار کردن احساسات و افکار درونی است. البته ابراز احساسات منفی نسبت به دیگری فقط وقتی توأم با احترام است، می‌تواند مؤثر باشد. (۳۳)

با بررسی این مفاهیم می‌توان مؤلفه‌های رابطه اجتماعی مؤثر در متون اسلامی شامل خیرخواهی، محبت و احترام نامشروط، تساوی، صداقت و یکرنگی، و اصل مدارا است که متضمن سازگاری، گذشت و مقابله مطلوب با عوامل مخل رابطه است. به نظر می‌رسد قصد و هدف افراد، پایه نخست و اساسی یک رابطه است. قصد خیر، پیش از برقراری رابطه، در حین آن و برای استمرار آن ضروری است. (۳) متون اسلامی خیرخواهی برای دیگران را بالاترین عمل: «برای خدا خیرخواه خلق او باشید؛ زیرا هرگز خداوند را با عملی بهتر از این کار ملاقات نخواهی کرد.»^{۱۴} (۳۴) و افراد خیرخواه را، دیندار معرفی می‌کند: «عابدترین مردم، بی غل و غش ترین و پاکدل ترین آنها نسبت به همه مسلمانان است.»^{۱۵} (۳۴) از نظر متون اسلامی نصاب حد خیرخواهی برای دیگران در روابط اجتماعی، آن است که فرد آنچه را برای خود دوست می‌دارد، برای دیگران نیز روا بدارد و هر چه را که ناخوش و ناپسند دارد برای دیگران نیز روا مدارد. (۳)

از سوی دیگر منجر به اعمال حمایت عاطفی و پس‌از آن کمک مالی و همکاری سه عامل در مهم در رسیدن به رضایت در زندگی است و همسران در تأمین این سه امر برای یکدیگر، بیش از هر فرد دیگر مؤثرند و به همین جهت می‌توانند بزرگ‌ترین منبع رضایت در زندگی باشند. (۶)

در نتیجه می‌توان گفت که در مجموع، متأهلین به‌طور متوسط سلامت روانی بهتری نسبت به مجردها دارند و از کارکرد بهتر روانی و جسمانی برخوردارند. (۳) به همین جهت، تعالیم اسلام نیز بر تأثیر مهم ازدواج بر ابعاد اخلاقی و روانی افراد اشاره دارد. ارضای نیازهای جنسی به‌عنوان رکن مهم ازدواج در نظر گرفته شده است. به همین جهت اگر نقصی در زن و مرد به اختلال در روابط جنسی منجر شود. حق فسخ ازدواج برای زن و مرد وجود دارد. (۳) (قانون اساسی؛ ماده‌های ۱۱۲۲-۱۱۲۳) (۳۱) و همین امر به‌عنوان زمینه مهم برای آرامش روانی زوجین، دلبستگی آن‌ها به هم و حمایت روانی آن‌ها از یکدیگر محسوب می‌شود. «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.»^{۱۶} (روم/ ۲۱) ازدواج زمینه مهمی برای تعالی اخلاقی و معنوی افراد فراهم می‌کند. (۳)

● تأمین همدلی

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رابطه مؤثر در میان زوجین، همدلی است. همدلی یعنی احساس دیگری را درک کردن، به سخن دیگر همدلی، ایجاد احساس مشترک با یکدیگر است. (۲۹) همدلی در سه مرحله روی می‌دهد: نخست سعی می‌کنیم خود را به جای دیگری قرار دهیم و مسائل را از دید او تفسیر کنیم؛ در مرتبه دوم، وضعیت فرد مقابل را عمیقاً درک کنیم، احساسات او را تجربه می‌کنیم و نوعی همسان‌سازی با او صورت می‌دهیم؛ و در مرحله سوم پس از خروج از حالت همسان‌سازی با فرد مقابل، با او در خصوص تجربه‌ای که داشته است، هم‌نوایی می‌کنیم. (۳) در حالت همدلی آرزو می‌کنیم دیگران از درد و رنج رها شوند و با آنان احساس همراهی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری می‌کنیم. وجود این احساس، در سلامت جسم و روان تأثیر مثبتی دارد. برخورد گرم و همدلانه با دیگران به‌طور قابل توجهی

13. Rajerz

۱۴. عَلَيْكُمْ بِالتَّصِحِّحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ
۱۵. أَسْكَ النَّاسَ نَسْكَاً أَنْصَحَهُمْ حَبِيباً، وَأَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

۱۲. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

با آن، همچنین مواجه شدن با ظروف زمانی خاصی که زن در حالات جسمی ویژه‌ای قرار گرفته است، مانند حالت‌های حائض و نفساء بودن و غیره که به لحاظ فقهی موجب صدور حکم حرمت برای انجام رابطه جنسی حاصل از تمکین خواهد شد؛ لذا اگر زوجه به علت وجود معذورات مذکور از ارتباط جنسی مورد نظر امتناع ورزد و به اصطلاح تمکین ننماید مخالف با حکم الهی ننموده و نشوز انجام نشده است. این امر در ارتباطات ناشی از عملکرد زوجه و شرایط جسمی و روحی او تأثیرگذار است.

- تفاوت‌های واقعی زن و شوهر و به رسمیت شناختن آن، زمینه مهمی برای سازگاری است. در صورتی که زن یا مرد انتظار داشته باشد طرف مقابل کاملاً با او هماهنگ شود و بر این شیوه اصرار ورزد، به عزت نفس او آسیب خواهد رسید. تعالیم اسلام پیامدهای نامناسب این امر را به مردان گوشزد می‌کند.
- در روند سازگاری، هر یک از زوجین باید وجوه مثبت و گاه نهفته دیگری را فعال و جنبه‌های منفی شخصیت دیگری را به تدریج اصلاح کند، و در مقابل اگر یکی از زوجین به جای پذیرش همسر خود، به همان صورتی که هست بر جنبه‌های منفی او تأکید نماید و بخواهد قواعدی را بر او تحمیل کند، ناسازگاری‌ها بیشتر خواهد شد.

- از مسائل مهم و تأثیرگذار در بهداشت روانی زوجین، رضایت روحی حاصل از زناشویی است که اعمال صحیحی مثل حقوق استمتاع، تمکین یا مواقعه در آن تأثیرات بسزایی خواهد داشت. چراکه توفیق زوج‌های شادکام در شناخت و ادراک درست و دقیق یکدیگر در این حیطة، مقدمات لازم را برای زندگی مناسب و صریح فراهم می‌نماید و تبادل پیام به شیوه‌های مناسبی برای درک یکدیگر ایجاد می‌نماید، به همین جهت است که تعالیم اسلام، معاشرت به معروف را ملاک روابط مطلوب و رضایت‌بخش زن و شوهر اعلام می‌کند.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

دومین مؤلفه، محبت و احترام نامشروط نسبت به طرف مقابل در یک رابطه است. مهم‌ترین مؤلفه عقل بعد از ایمان به خدا، دوستی با مردم است. (۳۵) همچنین رابطه اجتماعی مؤثر از مؤلفه‌های مهم دیگری است که انبیاء به آن امر شده‌اند. هر چه مدارا بیشتر باشد فرد از سلامت روانی بالاتر برخوردار است. (۳۵)

- تعمیق سازگاری‌های مبتنی بر اقناع نیازهای روحی زوجین

در روند سازگاری، هر یک از زوجین باید وجوه مثبت و گاه نهفته دیگری را فعال کند و جنبه‌های منفی شخصیت دیگری را به تدریج اصلاح نماید، و در مقابل اگر یکی از زوجین به جای پذیرش همسر خود، به همان صورتی که هست بر جنبه‌های منفی او تأکید کند و بخواهد قواعدی را بر او تحمیل نماید، ناسازگاری‌ها بیشتر خواهد شد. یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در بهداشت روانی زوجین، رضایت زناشویی است که به اموری مانند درآمد و اشتغال، شباهت در علایق، هوش، ویژگی‌های شخصیتی و هماهنگی جنسی بستگی دارد. مؤلفه دیگر، شناخت و ادراک درست و دقیق زوجین از یکدیگر است. گفتگوی مناسب و صریح و تبادل پیام، شیوه‌های مناسبی برای درک متقابل است. تعالیم اسلام، معاشرت به معروف را ملاک روابط مطلوب و رضایت‌بخش زن و شوهر اعلام می‌کند (۳۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مذکور، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- در جهان امروز با توجه به شرایط زندگی مردم در جوامع کنونی و پدیدار شدن مسائل جدید در ارتباطات بین زوجین، صرفاً توجه به ابعاد حقوقی و فقهی کافی نیست و باید به بعدهای دیگری مانند مسائل روانشناسی تأمل کرد.
- تمکین در برخی موارد مانند انجام اعمال مربوط به احرام، گرفتن روزه‌های واجب و موارد مرتبط

منابع

1. Folavand MM. The Holy Quran Translation. Tehran: Payam Edalat; 1994. [Persian].
2. Dashti M. Nahj al-Balagha Translation. Qom: Amirul Mominin Publications; 2012. [Persian].
3. Sappington E. Mental Health, translated by: Hamid Reza Hossein Shahi. Tehran: Rawan Publications; 2007. p. 289. [Persian].
4. Ayrenk M. Psychology of happiness, translated by Beigi K and Firouz Bakht M. Tehran: Badr; 1996. p. 90. [Persian].
5. Salari Far MR, Shojaei MS, Mosavi Asal SM, Dolatkah M. Mental Health in the Light of Islamic Resources. Qom: Hozha and University Research Institute, Tehran, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities; 2010. p. 290-2, 362-4. [Persian].
6. Eslami Nesab A. Sexual and psychological counselor. Tehran: Nesl E No Andish; 2000. p. 343. [Persian].
7. Stone H. Abraham Stone, Response to Sexual and Marital Issues, translated by: Akhwan T. Tehran: Arghvan; 2000. p. 128-29, 226. [Persian].
8. Argyle M. The Psychology of Happiness, translated by: Gohari M and Kalantari M, Isfahan: University Jihad; 2003. p. 128-9. [Persian].
9. DiMatteo R. Psychology of Health, translated by: A group of authors. Vol. 1. Tehran: Semat organization; 1999. p. 553. [Persian].
10. Tusi (Sheikh al-Taifa) M. Al- Masbsut fi fiqh al-Umamiyah, researcher: Kashfi MB, Behboodi MB. Vol. 4. 3rd ed. Tehran: Al-Maktabeh al-Mortazawieh. 2008. p. 11-12, 331-99. [Persian].
11. Najafi MH. Javaher al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam. Vol. 31-17. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiyya; 2022. p. 303-10, 312-4, 131. [Persian].
12. Tareehi F. Majma Al-Baharin. Vol. 2. Tehran: Mortazavi Publications, 1996. p. 53. [Persian].
13. Fayoumi A. Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir by Rifa'i. Vol. 3. 1st ed. Qom: Dar al-Razi's pamphlets; 1998. p. 139. [Arabia].
14. Ragheb Esfahani H. The Words of the Qur'an. Vol. 1. 4th ed. Qom: Talia Al-Nur Publishing House; 2013. p. 875. [Arabia].
15. Har Amili M. Detailing the means of the Shia to the study of Islamic issues. Vol. 2. Qom: Al-Al-Bayt Institute, 1991. p185. [Arabia].
16. Mousavi Khoi SAQ. Sarat al-Najat. Vol. 3. 1st ed. Qom: El-Elect publishing house; 1995. p. 249. [Arabia].
17. Ameli (Shahid Saani) Z. Masalak al-Afham al-Tankih Shar'e al-Islam. Vol. 14. Qom: Al-Maarif al-Islamiya Institute. 1st ed. 1992. p. 112. [Arabia].
18. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasila. Vol. 2. Tehran: Institute for Publishing and Editing Imam's Works (Rah). 2011. p. 312. [Persian].
19. Mughniyeh M. Fiqh Ali al-Mahabh al-Khumsa. Vol. 1. 10th ed. Beirut: Dar al-Tayar al-Jadid-Dar al-Jawad; 2000. p. 49-50. [Arabia].
20. Jahangir M. Civil Law. Tehran: Duran Publications; 148th ed. 2024. p. 154-200. [Persian].
21. Makarem Shirazi N. Anwar al-Fuqih fi Ahkam al-Atra al-Tahirah (Book of Marriage). Vol. 6. Qom: Publications of Imam Ali (peace be upon him), Chap-Pan-Jam, 2003. p 117-9. [Arabia].
22. Khoi M. Mbani al-Arwa al-Waghti. Vol. 1. 1st ed. Qom: Lotfi Publishing; 1989. p. 547. [Arabia].
23. Mohagheq Damad SM. Jurisprudential Review of Family Laws. 15th ed. Tehran: Islamic Sciences Publishing House; 2008. p. 83, 357-8. [Persian].
24. Emami A, Safai.SH. Family Law. Vol. 1. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press; 1992. p. 183. [Persian].
25. Asadi A, Hasanpour E. Mental health in schools. Behorz (mental health and addiction prevention). 2011. p. 44. [Persian].
26. Khomeini R. Sahifa Imam (22-volume series). Vol. 5. 4th ed. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. 2006. p. 217-6. [Persian].
27. Milani Far B. Mental health. 13th ed. Tehran: Qomes Publishing House. 2013. p. 56. [Persian].
28. Golmohammadi A. Globalization of Culture, Identity. Tehran: Nei Publishing House. 2011.

- p. 230. [Persian].
29. Har Amili M. Detailing the means of the Shia to the study of Islamic issues. Vol. 2. Qom: Al-Al-Bayt Institute. 1991. p. 100. [Arabia].
30. Bani Hashemi M, Usuli A. Explanation of Al-Masal of References. 2nd ed. Islamic Publications Office affiliated to Qom Seminary Society of Teachers; 2014. p. 132-201. [Persian].
31. Hili Mohaghegh AQ, Bin Hassan NDJ. Laws of Islam. Vol. 3. Qom: Dar al-Huda for Printing and Publishing; 2008. p. 274. [Persian].
32. Majlisi M. Bihar al-Anwar. Vol. 1. Qom: Darul Kitab al-Islamiya Publications; 2006. p. 177. [Persian].
33. Khoi M. Mbani al-Arwa al-Waghti. Vol. 2. 1st ed. Qom: Lotfi Publication; 1989. p. 141-289. [Persian].
34. Samani L, Naimi Ts. The Necessity of Husband Agreement for Departure of a Wife from Country. Law Quarterly. 2019;49(2):239-59.
35. Jahangir M. The Constitution. 144th ed. Tehran: Duran Publications. 2024. p. 311. [Persian].
36. Pasandideh A. Satisfaction with life, published by Dar Al-Hadith publishing organization. 5th ed. 2007. p. 202-3. [Persian].